



مستطاب بنزیر گوہر

دریچہ ای

شناسی

به ساختار افسانہ - مَثَل

بنزیر گوہر

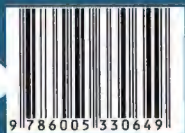
روح اللہ مہدی پور عمرانی



ISBN 978-600-5330-64-9



انتشارات نیرگان



9 786005 330649

انتشارات تیرگانی

روح الله مهدی پور عمرانی

پژوهش‌های نو

ساختارهای نو - مقاله

در چهره‌ای نو

به نام خداوند جان آفرین



فهرست

۴.....	پیشگفتار
۱۲.....	فصل اول : روایت شناسی
۱۴.....	روایت تهرانی
۱۷.....	روایت شاملو
۲۶.....	روایت خراسانی
۳۱.....	روایت دشتستانی
۳۵.....	روایت سیستانی
۳۹.....	روایت کرمانی
۴۲.....	روایت کرمانشاهی
۴۷.....	روایت همدانی
۵۰.....	روایت صبحی مهتدی
۵۵.....	روایت منظوم
۶۷.....	روایت کردی
۷۰.....	روایت شیرازی
۷۳.....	روایت مازندرانی
۷۷.....	روایت یزدی
۸۰.....	روایت تفرشی (اراکی)
۸۴.....	روایت آذری
۸۸.....	روایت آلمانی
۹۳.....	روایت تاجیکی
۹۹.....	روایت روسی
۱۰۳.....	روایت افغانستانی
۱۰۶.....	فصل دوم : ساختارشناسی
۲۱۹.....	فصل سوم : درونه شناسی
۲۶۰.....	فصل چهارم : پیوست ها
۲۸۵.....	فصل پنجم : نمایه ها

پیشگفتار

افسانه ها به طور کلی و افسانه های عامیانه به طور اخص ، تاریخ ندارند . زمان ندارند . مکان ندارند . راوی ندارند . راوی دارند ، در هر دوره ای صدها نفر ممکن است یک افسانه را روایت کنند. اما به طور روشن نمی توان گفت که سازنده ی اولیه ی آن ها چه کسی بوده است؟

بی زمانی و بی تاریخی اگر برای پژوهشگران و متن شناسان ، موقعیت چندان خوبی نباشد اما برای دوستداران متن های قصوی زیاد هم بد نیست .

چرا که این متن ها ، تاریخ مصرف ندارند و در هر عصر و دوره ای کاربرد دارند. بی زمانی و بی مکانی افسانه ها و بسیاری از قصه ها ، معنی دیگری هم دارد و آن بی صاحبی آن است .

هیچ کس نمی تواند مهر مالکیت خودش را بر پیشانی آن ها بزند. بی صاحبی افسانه ها و قصه ها سبب می شود تا این متن ها به راحتی بتوانند از این قاره سفر کنند. یکی از شانس های دیرپایی افسانه ها و قصه ها ، همین سفر آن ها است.

بنابراین می توان گفت که افسانه های عامیانه ، میراث مشترک بشری اند . از شهری به شهری ، از نسلی به نسلی ، از زبانی به زبانی منتقل می شوند . در فراگرد این نقل و انتقال افواهی است که تکامل می یابند .

در هر دوره ای ، هر راوی بنا به دید و درایت خود چیزی به آن می افزاید تا این که شکل قوام یافته و به نسبت ثابت خود را پیدا می کند .

افسانه ها و قصه ها به عنوان نخستین شکل های روایت ، امروزه از ارزش بالایی برخوردارند .

بسیاری از ادب شناسان و منتقدان ادبی و پژوهشگران، متن‌های قصوی و افسانه‌ها را سنگ بنای داستان‌های امروزی می‌دانند.

افسانه‌ها و قصه‌ها، بنا به قدمت و اهمیتی که دارند، برخی بسیار پر آوازه‌اند و در بیشتر حوزه‌های فرهنگی و نزد اقوام و ملل جهان شناخته شده و روایت می‌شوند. کودکان زیادی را به خواب می‌برند، نوجوانان فراوانی را سرگرم می‌کنند و نقالان و قصه‌گویان بی‌شماری را به کار می‌آیند.

در میان افسانه‌ها و قصه‌های شرقی و ایرانی، افسانه - مَثَل «بز و سه‌بزگاله» یا «بز زنگوله پا» و به صورتی معروف‌تر، «شنگول و منگول» از آوازه‌ی بیشتری برخوردار است.

آوازه‌ی افسانه بز زنگوله پا در مشرق زمین در کنار قصه‌ی عامیانه‌ی «خاله سوسکه» و «کک به تنور» و «موش و گربه» و «پیرزن و کدوی غلتان» در حد قصه‌های «شنل قرمزی» و «سیندرلا» و «ده کوتوله» در افسانه‌های اروپایی و غربی است. افسانه - مَثَل بز زنگوله پا را از زوایه‌های گوناگونی می‌توان مورد بررسی قرار داد.

از زوایه‌ی ساخت و ریخت قصه‌پردازی، یا از زوایه‌ی محتوا و ژرف‌ساخت و یا به طور کلی از منظر درون‌ساخت و برون‌ساخت. حتی از نظر روان‌شناسی و روان‌کاوی هم می‌توان رفتارها و کنش‌های قهرمانان این قصه را زیر ذره بین بُرد و برداشت‌های علمی‌تری را در معرض دید مخاطبان به تماشا گذاشت.

در گذرگاه این پژوهش می‌توان نمادها، اسطوره‌ها، تمثیل‌ها، کنایه‌ها و استعاره‌های به کار رفته در این افسانه - مَثَل را رصد نمود و به کمک ظرفیت‌های هرمنوتیک و تفسیری و تحلیلی هر

کدام از عناصر یاد شده ، به ذهنیت سازندگان اولیه و اصلی این افسانه نزدیک شد و از آن زاویه ، جامعه‌ی روایی آن روزگار را شناخت . کاری که یونگ و فروم و پراپ و دیگران کرده اند .

از سویی دیگر ، بسیاری از داستان‌های حوزه‌ی کودک و نوجوان امروز ، شکل‌های دگرگون شده‌ای از این افسانه‌ها و قصه‌ها به شمار می روند .

بنابراین به غیر از کودکان و نوجوانان که از خواندن و شنیدن این افسانه‌ها و قصه‌ها لذت می‌برند و سرگرم می شوند و احياناً چیزهای زیادی فرا می گیرند ، داستان نویسان روزگار ما نیز از سبک و سلیقه راویان و ساخت این متن ها ، درس های عملی فراوانی می آموزند .

هنوز قصه‌ها و افسانه‌ها به لحاظ ساخت و پیرنگ و اسکلت‌بندی و رگ و پوست و گوشت روایت ، ساخت‌مندترین و مستحکم‌ترین متن‌های روایی به شمار می روند و از این نظر ، مدل و الگوی مناسبی برای ماجراپروری و داستان پردازی و قصه‌سازی قلمداد می شوند .

این‌که هنوز بازی‌سازان و سینماگران و پویانمایان (انیماتورها) براساس این قصه‌های قدیمی ، نمایش‌ها و فیلم‌های جدیدی می‌سازند، نشان‌دهنده‌ی این است که هنوز این متن‌ها منبع و الهام بخش آفرینش های ادبی و هنری هستند .

قابلیت‌های تحلیلی و هرمنوتیکی این افسانه ، منتقدان و پژوهندگانی را به خود مشغول می دارد .

در حافظه‌ی نقد ادبی در پنجاه ساله اخیر ، یادآوری روایت‌های متفاوتی از این افسانه ، بارها تکرار شده است .

به طوری که برخی از فولکلورشناسان و قصه پژوهان مانند صبحی مهتدی و انجوی شیرازی و دیگران و بعضی از ارباب جراید نیز در نشریات و تحقیقات خود، به کرات از این متن یاد کرده اند و اشکال گوناگون و قرائت های متفاوت آن را ثبت و ضبط نموده اند.

به گونه ای که بالغ بر ۳۰ روایت از این افسانه، رصد و ثبت شده است. اما تحقیق مستقل و مفصلی بر این افسانه صورت نگرفته است.

از سال ها پیش، در مجلات عمومی و تخصصی، شاهد نقل عین به عین این افسانه و اندکی نیز یادداشت های نقدگونه ای بر آن بوده ام.

ولی - گویا - هیچ کس این متن قدیمی و به ظاهر عامیانه را جدی نگرفته تا رویش مکث کند و با متدهای موجود، به بررسی آن بپردازد.

در طول سال هایی که با نشریات تخصصی ادبیات کودک و نوجوان نظیر «پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان»، «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «دوچرخه / ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه همشهری» و ... همکاری می کرده ام، بارها مقالاتی درباره ی این افسانه خوانده ام.

از همان سال ها برآن شده ام که پیرامون این افسانه ی خوشنام و قصه های دیگری مثل «خاله سوسکه» و «پیرزن و کدوی غلطان» و «موش و گربه» و «بز و نخل / درخت آسوریک» و ... مطالعه کنم. مطالعه بر روی این متون، برآرم داشت تا یادداشت هایی جسته و گریخته روی این قصه ها بنویسم و این جا و آن جا چاپ و منتشر نمایم.

چنان که دریچه‌ای بر خاله سوسکه را در « بار فروش » -
 نشریه داخلی انجمن فرهنگی - ادبی بابلی‌های مقیم تهران - و
 مقاله‌ی بز و درخت خرما را در کتاب ماه کودک و نوجوان و
 همچنین «دریچه‌ای به تحلیل جامعه‌شناختی افسانه - مَثَلِ بز
 زنگوله پا» را نیز در کتاب ماه کودک و نوجوان چاپ نمودم .

ولی هیچ‌کدام از این قلم اندازها ؛ روح سیری ناپذیرم را ارضاء
 نکرد تا این که درصدد برآمدن یادداشت‌هایم را - در وهله‌ی اول
 در خصوص این افسانه‌ی خوش‌ساخت - به نحوی تدوین نمایم
 که قابلیت چاپ در قالب یک کتاب را پیدا کنند .

گام نخست برای این کار ، جمع‌آوری روایت‌ها بود . این کار از
 دو طریق کتابخانه‌ای و میدانی (شنیداری) شدنی می‌نمود . هر
 کدام از این روش‌ها ، مشکلات خاص خودش را داشت و دارد .

بعضی از کتاب‌ها و منابع‌ها ، در کتابخانه‌های عمومی و
 تخصصی وجود ندارند. به عنوان نمونه ، روایت محمدعلی جمال
 زاده از این افسانه - چنان که تذکره نویسان و نسخه‌شناسان ،
 آدرس داده اند - می‌بایستی در جلد دوم کتاب «صندوقچه‌ی
 اسرار» ضبط شده باشد.

اما در نسخه‌ای که در کتابخانه‌ی شماره یک مجلس از این
 کتاب به دست آمد ، این افسانه را در خود ندارد .

در روش شنیداری هم کمبودهایی به چشم می‌خورد .
 اول آن که دسترسی به پیرمردان و پیرزنان اقوام گوناگون
 بسیار دشوار است.

دوم آن که در فرهنگ مکتوب اقلیم‌های مختلف ایران ، این
 قصه ثبت و ضبط نشده است .

به عنوان مثال : در فرهنگ مکتوب و شفاهی تالش‌های ایران این افسانه ، دیده نشده است .

همچنین در حوزه‌ی فرهنگی مازندران (قسمت مرکزی و شرقی آن) چنین روایتی سراغ داده نمی‌شود . تنها در بخش غربی این استان (اشکور / دارالمرز گیلان و مازندران) دو روایت نزدیک به هم به صورت مکتوب در دست است و همان ملاک قرار داده شد .

با این توصیف ، زمان زیادی صرف جمع‌آوری نسخه‌ها و روایت‌ها گردید .

در بعضی از حوزه‌های روایی مانند « یزد » ، چند خرده روایت نیز وجود داشت که در بخش پیوست‌ها آورده شد .

نزدیکی‌های چشمگیر روایت‌ها ، مانع نگردید تا ناهمانندگی‌های آن‌ها گفته نشود همچنین همکناری این روایت‌های ناهمانند در این کتاب ، به علاقه‌مندان و پژوهندگان و دانشجویان رشته‌های ادبی ، جامعه‌شناسی ، مردم‌شناسی ، تاریخ هنر و رشته‌های مرتبط کمک خواهد کرد تا همه‌ی این روایت‌ها را در یک جا بخوانند .

همانندی‌های برخی از روایت‌ها هم نتوانست شانس حذف آن‌ها را افزایش دهد چرا که در تک‌تک این روایت‌ها ، ارجاعات و روابط بین متنی بسیاری صورت گرفته که نمی‌توان و نباید بعضی از آن‌ها را حذف کرد .

مثلاً چگونه می‌توان روایت تهرانی (صادق هدایت) را حذف کرد؟ همان‌طور که در صفحه‌های آینده خواهیم دید ، در این قصه ، گرگ به جای آن که بزغاله را ببلعد یا بخورد ، آن‌ها را به لانه‌اش می‌برد.

این عمل گرگ، با آن که نوعی تجاوز به حریم خصوصی دیگران تلقی می شود و آدم ربایی را به نمایش می گذارد، نسبت به عمل گرگ در روایت های دیگر، پذیرفتنی تر جلوه می کند. در حالی که بقیه ی ماجراها، همان است که در قصه های دیگر این روایت، وجود دارد.

بعد از جمع کردن نمونه های گوناگون این قصه در یک جا، نوبت به نقد و بررسی آن ها رسید. برای این کار، نیاز به مطالعات اسطوره شناسی و روان شناسی داشتم. این قسمت از کار، لذت خاص خودش را داشت.

آشنایی با نگره های علمی دانشمندان درباره ی رفتارها و ریشه های کنش های انسانی از جمله ی این لذت ها به شمار می رود.

پس از این می بایست این افسانه را از این زاویه، بازخوانی می کردم و دریافت ها و برداشت های خود را می نوشتم. نتیجه آن شد که در این کتاب می خوانید.

اما پیش از آن، یادآوری این نکته را لازم می دانم که این نوشته در نوع خود یک معجون است. چیزی مثل (شتر- گاو- پلنگ) و آن هم از این نظر که هر چه را پس از خواندن چندین باره ی روایت های بز زنگوله پا به ذهنم آمد، نوشتم و در پایان بازخوانی نموده و سعی کرده ام همه ی آن یادداشت های گسسته را در یک پیوستار، منظم نمایم.

این تنها یک شروع است. تلنگری است به یک غفلت! تاریخی. شاید در حد درجه ای باشد برای راه یابی به این سرای گسترده و موسّع. و باید اعتراف کنم که بیش تر از این در چنته ام نبود.

آرزو می‌کنم خبرگان فن ، هر کدام از گوشه‌ای و زاویه‌ای به
این سوژه بپردازند و زوایای تاریک آن را بگشایند .
در پایان باید از کتابداران زحمت‌کش کتابخانه‌ی مجلس و
کتابخانه‌های عمومی ولی‌عصر ، میدان رسالت که در تهیه‌ی متون
به یاری‌ام شتافتند ، سپاس‌گزاری کنم .
سپاس دیگرم برای مدیر نشر تیرگان است امکان چاپ و
انتشار این تحقیق کوتاه را فراهم آورده اند .

ر . م . عمرانی

اسفند ۱۳۸۹ - تهران

فصل اول : روایت‌شناسی

در این فصل ، گونه‌های در دسترس از روایت‌های افسانه - مثل آورده شده است .

همانندی‌ها و ناهمانندی‌های این روایت‌ها ، حکایت از گوناگونی فرهنگ مردمانی دارد که در این کره خاکی زندگی می‌کنند و آمال و آرزوهای خود را - گاهی - در قالب تمثیل‌ها و مثل‌ها و قصه‌ها و افسانه‌ها ، بر زبان می‌آورند .

شناخت روایت‌های گوناگون از یک افسانه ، غیر از آن‌چه که در سطر بالا به آن اشاره شده ، دیدگاه حقوقی و نگاه حقوق بشری راویان آن‌ها را نیز نشان می‌دهد .

چه‌بسا روایت‌های دیگری که در حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی وجود دارد و در این جا نیامده است .

آن‌چه در همه‌ی این روایت‌ها مشترک است ، خط روایت و قصه‌ی تمثیلی است و تکیه بر ماجرای که در آن گرگ و بز (صنعت تقابل / طباق) میداننداری می‌کنند .

آیا این افسانه را با تنوع روایی این چینی ، یک جا در یک کتاب خوانده‌اید ؟

این کتاب ، فرصت یکجاخوانی بیست و چند روایت از یک قصه را فراهم آورده است. در صفحه‌های آینده ، این روایت‌ها را می‌خوانیم :